

گزارش روز

در نشست محمدرضا اصلاتی، آرد عطاربور و مهرداد اسکویی مطرح شد

هشدار ۳ مستندساز درباره نابودی خاطرات جمعی

● **سحر آزاده:** محمدرضا اصلاتی، آرد عطاربور و مهرداد اسکویی در بخش پایانی نشست «شهر، موزه، خاطرات جمعی» ضمن اظهار تأسف از تخریب بناها و بافت‌های تاریخی تهران گفتند که نابودی چنین آثاری خاطره جمعی مردم یک شهر را از بین می‌برد و به مرور، شاهد یک شهر با مرده‌ی بی‌هویت خواهیم شد. نشست «شهر، موزه، خاطرات جمعی» عصر چهارم‌خرداد در خانه هنرمندان برگزار شد. در بخش اول این نشست که با همکاری کمیته بین‌المللی موزه‌ها (ایکوم) و انجمن متخصصان منظر برپا شده بود، سعید ساداتانیا و محمد مطلبی به‌عنوان دو کارشناس معماری درباره رابطه حفظ آثار تاریخی در معماری شهر صحبت کردند و در ادامه نشست با حضور تعدادی از مستندسازان شامل محمدرضا اصلاتی، آرد عطاربور و مهرداد اسکویی برپا شد. محمدرضا اصلاتی که از پیشگسوتان مستندسازی به‌شمار می‌رود، در شروع صحبت‌هایش به‌خاستگاه شهرها اشاره کرد: «شهر، فرهنگ را به‌نظام تبدیل می‌کند و ما شهر را به معنای نظام جمعی و عمومی ملی تعریف می‌کنیم. شهر یک محوطه بسته نیست بلکه یک امر ملی است. به همین دلیل شهر یک مجموعه ناخودآگاه است.»

این کارگردان همچنین با بیان اینکه در حال حاضر شهر را به مثابه زبان نیز تعریف می‌کنند و زبان جایی ناخودآگاهی که ملت است، ادامه داد: «آلان بیا موضوع ناخودآگاه جمعی به جای ناخودآگاه عمومی مواجه هستیم و همین باعث شده است، همواره نسبت به شهر، بی‌تفاوت باشیم. به همین دلیل پیاده‌روهای شهر ما ارتباطی نیستند بلکه گذری هستند و شهروندان ما حساسیتی روی این مساله ندارند.»اصلاتی اما این بی‌اعتنایی را یک واکنش از سوی شهروندان تهرانی تحلیل کرد: «این بی‌اعتنایی یک واکنش و یک مبارزه علیه خود است که اتفاقا بسیار خطرناک است. متأسفانه درحال حاضر به جای خودبازسازی، خود ویرانگری را به‌عنوان یک واکنش دایم تکرار می‌کنیم و این خطری است که از همین جا اعلام می‌کنم.»مهرداد اسکویی هم از دیگر مستندسازان جوان حاضر در این نشست بود که حرف‌های اصلی را تایید کرد: «انسان ساکن در کلانشهر، احساس می‌کند در مبارزه دایمی با دو مساله شامل عقلایت در راستای منافع خود و اقتصاد پولی است. این دو موضوع، اندام‌واره‌هایی را در انسان کلانشهر به وجود می‌آورد که برای منافع خودش حتی خاطره‌ها را از بین می‌برد.»او نیز نسبت به فراموشی خاطره‌های جمعی هشدار داد: «از آنجاکه در روستاها و شهرهای کوچک، همدیگر را می‌شناسند، از انسان‌های کلانشهر به‌عنوان افرادی بی‌رحم نام می‌برند.اگر فرهنگ‌سازی شود، عکس‌ها و تصاویری ثبت می‌شوند که افراد نقش خودشان را در کشورشان پیدا می‌کنند منتهااگر به این موضوع توجه نکنیم، با یک خطر جدی مواجه هستیم. در همین حال، سیاستگذاران فرهنگی و شهری ما هم در این خطر سهیم هستند چون آنها در راه ادامه این نوع عقلایت شریک هستند.»

اسکویی در پایان صحبت‌هایش از اینکه مستندسازان و عکاسان همواره در تلاش هستند آثار تاریخی تهران را ثبت کنند اما در مقابل تغییرات سریع شهر ناآوان هستند، اظهار تأسف کرد و از انتشار سه جلد کتاب «تهران در ورقه‌های پستی» خبر دا تا به این نحو خاطره‌های جمعی مردم این شهر محافظت شود. همچنین در بخشی از این برنامه فیلمی از آرد عطاربور درباره شهر تهران پخش شد. او درباره دلیل ساخت این مستند و لزوم توجه به بافت تاریخی شهر گفت: «من قبلا در محله امیریه ساکن بودم و بعدا به دربند رفتم. هروقت به محله امیریه سر می‌زدم شاهد تغییرات شگرف و قطع شدن خاطرات مردم یک منطقه بودم. بنابراین تصمیم گرفتم فیلمی با چنین موضوعی بسازم.»

سازنده مستند «خلیج‌فارس» سپس به این موضوع اشاره کرد که تهران قابلیت تبدیل شدن به یک موزه‌شهر را داشته است و ادامه داد: «همواره در داخل کشورمان جریانات اجتماعی آنقدر به صورت شتابنده عمل می‌کنند که به‌سرعت هم به جریانات ارزشی تبدیل می‌شوند مثلا در انقلاب مشروطه و ۱۳۵۷ یک معذوریت انقلابی و عرفی ایجاد و منجر به این شد که تهران از هویت خودش دور شود.» او تهران و شمیران فعلی را مجموعه‌ای از صدها روستا توصیف کرد و گفت: «بخش‌هایی که می‌توانستند خاطرات ما را به یاد بیاورند به‌شدت دچار تغییر شده‌اند و این اتفاقی است که مدام در داخل کشور و تاریخ ما درحال رخ دادن است. بنابراین انتظار اینکه از شهری که مدام در حال تغییر است بخواهیم که به شهرموزه تبدیل شود، غیرواقعی است.»

طی برگزاری فستیوال فیلم «کن» مطبوعات مختلف فرانسوی با طرح پرسش‌هایی غیرسینمایی از جمله موضوعات سیاسی، به بخشی از تمایلات و اندیشه‌های سینماگران می‌پردازند. از جمله روزنامه «لوموند» فرانسه که به‌تازگی با اصغر فرهادی، کارگردان موفق سینمای ایران و برنده جایزه اسکار بخش خارجی ۲۰۱۱، گفت‌وگویی داشته که چکیده محتوای این مصاحبه جالب توجه است.

فرهادی اختلاف و یا تفاوت‌های فیلمسازی در ایران و فرانسه را بیشتر «فنی» می‌داند و معتقد است در فرانسه بهتر می‌توانیم به آنچه می‌خواهیم بسازیم، دست باییم اما در ایران این امکانات و موقعیت‌ها

فرزانه ابراهیم‌زاده: «جایزه نخل طلای کن می‌رسد به ...» این جمله زمانی که این گزارش را می‌خوانید حتما با نام برنده شصت‌وششمین جشنواره بین‌المللی کن پر شده است.اما از میان ۲۰ فیلم شرکت‌کننده در بخش رقابتی کدام‌یک باشد، نکته‌ای است که تا لحظه تنظیم خبر به وقت تهران و احتمالا بسته‌شدن صفحه خبری روزنامه از آن اطلاعی نداریم و تنها می‌توانیم به آخرین گمانه‌زنی‌های منتقدان اکتفا کنیم و پیشاپیش نخل طلا را به فیلمی که از نظر ما قابل‌قبول‌ترین اثر سینمایی است بدهیم. حتما هم نظر ما این است که نام اصغر فرهادی و فیلم «گذشته» به‌عنوان برنده مهم‌ترین نخل کن یعنی نخل بهترین فیلم خوانده شود. اما همان‌گونه که جاستین چانک منتقد ارشد وراثتی پیش‌بینی کرده است، قابل پیش‌بینی نیست و مانند سه سال گذشته ممکن است نامی از سوی رییس هیات داوران عنوان شود که منتقدان از آن نامی نبرده‌اند. شبیه اتفاقی که سال گذشته در انتخاب فیلم عشق می‌شاییل هانکه رخ داده در سال ۲۰۱۱ همام ترنس مالیک و «درخت زندگی» اعلام شد. اتفاقی که گمان می‌کردند برای لارنس فون‌تریه و ملانکونیا بیفتد: اما نفس علاقه‌مندان به سینمای فرهادی در سافت‌های آخر در سینه حبس شده است که از آخرین پاکت نام او بیرون بیاید. اتفاقی که همه گمانه‌زنی‌ها پیش از دو روز آخر از احتمال بالای برنده شدن آن حاکی بود. فیلم فرهادی که فیلم محبوب بیشتر منتقدان است شنبه نخستین جایزه خود را از یکی از بخش‌های جانبی جشنواره کن گرفت و باوجود گمانه‌های ضدونقیضی که وجود دارد، علاقه‌مندان فیلم‌ساز ایرانی را کمی دلگرم کرد. «گذشته» یک روز مانده به پایان جشنواره، جایزه اصلی داوران کلیسای جهانی را دریافت کرد. الکساندر بالدگی تهیه‌کننده این فیلم که این جایزه را به فال‌نیک گرفته بود ابراز امیدواری کرد «گذشته» در مسیری قرار بگیرد که «جدایی نادر از سیمین» قرار گرفت. اما خبر از علاقه‌ای که خوانندگان ایرانی به برنده‌شدن فیلم فرهادی دارند، بسیاری از

هنر

ساحل لاچوردی

انتقاد فرهادی از تحریم غرب علیه ایران

ترجمه: علیرضا امیرحاجبی

کمر به‌وجود می‌آید. به نظر فرهادی مشارکت و همکاری در فرانسه در حوزه ساخت فیلم بهتر است. وقتی گفت‌وگوکننده از او در زمینه امکان ساخت چنین فیلمی یعنی «گذشته» را در ایران می‌پرسد، وی پاسخ می‌دهد که می‌توان چنین فیلمی را در ایران نیز ساخت اما باید توجه داشت که سبک زندگی این دو کشور با یکدیگر تفاوت‌های فراوانی

«گذشته» جایزه کلیساهای جهان را گرفت

«نخل طلایی می‌رسد به ...»

منتقدان از بخت‌های دیگری هم نام می‌برند. جاناتان رومنی منتقد ایندپندنت در گزارشی که روز یکشنبه منتشر شد از گزینه‌های اصلی برنده شدن در کن ۲۰۱۳ به تشخیص این نشریه نام برده است. به گفته این منتقد فیلم «فونوس در پوست خز» به کارگردانی رومان پولاتسکی که در روزهای پایانی جشنواره اگر چه توانست نظر منتقدان را به سمت فیلمساز لهستانی-فرانسوی متمایل کند، اما فیلمی نیست که دومین نخل طلایی را به جوایز خود بیفزاید. به نوشته ایندپندنت یکشنبه‌وقتی جشنواره کن رسما به پایان بردد احتمالا پولاتسکی یک نخل دیگر نگرفته که آن را به کنار نخل طلای «پیانیسست» اضافه کند. اما او قطعا با «فونوس در پوست خز» یکی از محبوب‌ترین فیلم‌های کن ۲۰۱۳ را ارایه کرده است. پولاتسکی که



پیکر صادق تیرافکن در وطنش آرام گرفت



عکس: امیرحیدری، شرف

بدون انجام سخنرانی درحالی برگزار شد که بسیاری از دوستداران اواز جمله عباس کوثری،نیوشا توکلیان، مهران مهاجر، رزیتا شرف‌جهان، نادر سیحون، آناهیتا

فرهادی در برابر پرسشی در زمینه موقعیت اقتصادی ایران و تحریم‌های پیش‌رو توسط غرب، می‌گوید: «مسئلا همه جهان این موضوع را درک می‌کنند. تحریم‌ها بر زندگی روزمره ایرانیان تأثیر گذاشته است.

دارد. به همین دلیل فیلمساز باید با توجه به این تفاوت‌ها،دست به تغییر پیش‌زمینه‌ها بزند. وی در پاسخ به پرسشی در زمینه ممیزی در ایران می‌گوید این موضوع در ایران هم وجود دارد درست مثل تمام کشورهای دیگر. اما باید توجه داشت که این ممیزی‌ها نمی‌توانند دست هنرمندان را بسته و آنها را کم‌کار کنند یا باعث کندشدن کار آنها شود.

می‌توانید نخل طلای بهترین فیلم را کسب کند «آبی گرم‌ترین رنگ‌است» ساخته عبدالطیف کشیش. اما در همه گمانه‌زنی‌ها روز یکشنبه دو فیلم «گذشته» اصغر فرهادی و «فقط خدا می‌بخشد» نیکلاس ویندینگ رفن دانمارکی از شانس مساوی برخوردارند. موضوعی که شانس این دو فیلم و فیلم «تبراسکا»ی الکساندر پین را بیشتر از بقیه فیلم‌ها کرده، این است که ریاست هیات داوران کن ۲۰۱۳، با استیون اسپیلبرگ کارگردان شناخته‌شده آمریکایی است. پس‌از گزارش‌ها در روزهای گذشته بر این نکته تأکید داشت که حضور اسپیلبرگ می‌تواند موازنه‌ها به نفع این سه فیلم تغییر دهد. خیلی‌ها بر این عقیده‌اند که هیات داوران اسمال کاملاً تحت‌تأثیر اسپیلبرگ هستند و از آن جایی که او به سینمای دانستان‌گو علاقه‌مند است، شانس این سفیلگر با بالا می‌برد. نکته جالب این است که در دوره‌ای که فرهادی توانست برای «جدایی» اسکار بهترین فیلم خارجی را بگیرد، الکساندر پین، اسکار بهترین فیلم را برای نوداگان کسب کرد. اما منتقدانی که نگاه سیاسی به ماجرا دارند از احتمال دریافت یکی از پنج‌نخل طلای اصلی را برای فیلم «آبی گرم‌ترین رنگ است» می‌دانند. فیلمی که به زندگی هجمنسگرایان می‌پردازد. موضوعی که این روزها دولت سوسیالیست فرانسوا اولاند با آن درگیر است.

در این میان فیلم ژاپنی «شبیه پدر شبیه پسر» تنها فیلمی است که به‌عنوان یکی از گزینه‌های اصلی نخل طلایی بی‌حاشیه مسیر خود را رفته است و به‌عنوان یکی از گزینه‌های جایزه هیات‌داوران مطرح است. نشریه وراثتی در نهایت از جمع‌بندی نظر داوران گمانه‌زنی کرده است که در نهایت در شامگاه ۲۶ می ۲۰۱۳ نخل طلای بهترین فیلم به آبی گرم‌ترین رنگ است، تعلق می‌گیرد و جایزه بزرگ را «ژیبای بزرگ» کسب می‌کند. فیلم ژاپنی «شبیه پدر شبیه پسر» جایزه هیات داوران را به‌دست آورد. جونل و اتان کوئن جایزه کارگردانی را خواهد گرفت و جایزه بازیگری به مایکل داگلاس و ماریان کوتیار می‌رسد. بر اساس این پیش‌بینی جایزه بهترین فیلم‌نامه به گذشته‌فرهادی می‌رسد.

علیرضا آدم‌پکان، مهدی حسنی، هنگامه معمری و یعقوب رشتنچیان در آن شرکت کرده بودند. البته قرار است مراسم ختم این عکاس دوشنبه، ششم خرداد در مسجد ولیعصر واقع در خیابان وزرا (خالد اسلامیولی)، جنب پارک سعای از ساعت ۱۸ تا ۱۹:۳۰ برگزار شود. موزه هنرهای معاصر تهران هم روز چهارشنبه، ششم خرداد مراسمی را با حضور دوستان و همکاران این هنرمند از ساعت ۱۷ تا ۱۹ در سالن سینماتک برگزار می‌کند. تیرافکن سال ۱۳۴۴ در کرپلای عراق از پدر و مادری ایرانی متولد شد. او همراه خانواده در کودکی به ایران بازگشت و در خوزستان بزرگ شد. او که دانش‌آموخته رشته عس از دانشکده هنر تهران بود، عکاسی را به‌طور حرفه‌ای از اواخر دهه ۱۳۶۰ آغاز کرد. او از تکنیک فوتومونتاژ یا فتوکلاژ در بسیاری از آثارش استفاده کرد و چیدمان‌های هنری او نیز در نمایشگاه‌های مختلف دنیا به نمایش درآمده بود.

آکراندپیمان

ستاره هالیوود «کور چهره» شد

«برد پیت» و ابتلا به «بیماری نادر»



برای من پایدار است، من نمی‌توانم چهره کسی را به خاطر بسپارم.»این مصاحبه، صنب‌شلسن گزنگی ملون، مارلین برمان را بر آن داشت تا از برد پیت دعوت کند تا برای تشخیص بیماری چهره کوری با ادراک‌پریشی چهره‌ای از مغز وی تصویربرداری کند. مبتلایان به این اختلال، در مراحل بحرانی، قدرت تشخیص چهره خود را در آینه از دست می‌دهند. بعد از این آزمایش‌ها، شخص شده است که پیت به این بیماری مبتلا است.

شرق: درحالی‌که بسیاری از نشریات جهان همچنان به جراحی «آلتجینا جولی» می‌پردازند، برد پیت همسر او در گفت‌وگویی تازه اعلام کرده که به نوعی بیماری عصبی نادر مبتلا است که نمی‌تواند چهره آدم‌هایی که با آنها

روبه‌رو می‌شود را به‌خاطر بسپارد و در حقیقت، به نوعی کور چهره است. براساس گزارش نشریه لایو ساینس، با این همه، الزاما افراد مشهور قادر به یادآوری چهره افراد معمولی نیستند و یکی از آنها حتی اگر مکالمه‌ای رودررو با کسی داشته باشد نیز، به هیچ‌وجه قادر نیست چهره وی را به خاطر بسپارد یا تشخیص دهد؛ نه به این دلیل که یک چهره مشهور هالیوودی است، بلکه به این دلیل که وی به گفته خودش کور چهره است. پیت، چندی

چهره روز

جایزه افتخاری «کن» در دستان «آلن دولن»



● شاید کمی هم دیر شده بود. باید زودتر از این «آلن دولن» ستاره بزرگ سینمای فرانسه تقدیر می‌شد. هنرمندی که در اوج و اقبال سینمای هالیوود در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی به‌تنهایی توانست تصویر زیبا و جذاب از قهرمان غیرآمریکایی را به دوستداران سینما ارایه دهد. کارگردانان بزرگی با بهره‌گیری از ایده‌ها و هنر بازیگری دولن توانستند به سبکی خاص دست یابند. با آنکه در دهه ۶۰ میلادی دولن جوان به‌نظر می‌رسید اما کارگردانان مکتب سینما «نوار» به‌خصوص «ملویل» و تا حدودی موج نو فرانسه با وجود هنرمندی چون دولن بود که توانستند جایگاهی معتبر را در سینمای اندیشه به دست آورند. چهره دولن خونسردی و نیز نوعی تنهایی ذاتی که بعدها تبدیل به نوعی عارضه‌افسردگی شد، سرمایه مهم سینمای اذست‌رفته سال‌های دهه ۶۰ فرانسه است که به احتمال زیاد بازگشتی به اوج نخواهد داشت. حال پس از دهه‌های طلایی حضور این بازیگر جشنواره سینمایی کن با همکاری سینماتک فرانسه و استودیو کنال اقدام به پخش یکی از مهم‌ترین آثار سینمای موج نو «آفتاب سوزان» اثر «رنه کلیمان» کارگردان بزرگ فرانسه کرد. پخش این فیلم تنها بهانه‌ای بود برای بازپخش نمونه‌ای درخشان از سینمای مولف فرانسوی و نیز انگیزه‌ای برای اهدای جایزه افتخاری جشنواره کن به آلن دولن. آفتاب سوزان را می‌توان اولین فیلم مهم و حرفه‌ای دولن محسوب کرد. این فیلم برداشتی بود آزاد از رمانی اثر «پاتریشلاهای اسمیت». به عقیده بسیاری از کارشناسان میزانشن‌های این فیلم از بهترین نمونه‌های سینمای مدرن محسوب می‌شود. دولن پس از پخش این فیلم گفت: «کلمان استاد من بود و بسیار به من آموخت. کلمان هم کارگردان بزرگی بود و هم یک فیلمبردار بزرگ. قدیمی بودن فیلم باعث شده بود تا بخش‌هایی از رنگ فیلم تغییر کند که لاابراتوار «سینماتک» فرانسه توانسته است تا حدود زیادی این آسیب‌ها را مرمت کند. موسیقی این فیلم نیز توسط «وینو روتا» ساخته شده است.

خبر سازان

شوخی «شمقدری» با «اسپیلبرگ»

● **شرق:** ظاهرا صحبت‌های رییس سازمان سینمایی کشور در مورد اهدای نخل طلا به اصغر فرهادی تمام نشده او در تازه‌ترین اظهارنظر در این زمینه گفته است که این حرف‌ها را به شوخی گفته است. جواد شمقدری، رییس سازمان سینمایی کشور که گفته قبلا گفته بود برای اعطای جایزه اسکار به اصغر فرهادی با اعضای آکادمی اسکار لابی کرده است، چندی پیش در گفت‌وگو با هنر آنلاین عنوان کرده بود: «دیگر نیازی به لابی نیست، با اسپیلبرگ صحبت می‌کنیم.» این صحبت‌ها درحالی مطرح شده بود که اصغر فرهادی با فیلم «گذشته» در شصت‌وششمین جشنواره فیلم کن حضور داشت و اسپیلبرگ هم ریاست هیات داوران این جشنواره را برعهده داشت. شمقدری نیز با اشاره به این وضعیت گفته بود که با اسپیلبرگ صحبت می‌کنیم و او نخل طلا را به آقای فرهادی اهدا می‌کند. پس از آن بود که محمد حسینی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در واکنش به اظهار سخنانی از سوی معاونش به ایسا گفته بود که سماعت خبرنگاران باعث می‌شود آنها چنین حرف‌هایی بزنند و عنوان کرده بود: «این صحبت‌ها دیگر گذشته است، درباره این موضوع از خوششان سوال کنید.» به فاصله یک روز از این جریان شمقدری در گفت‌وگو با ایسا صحبت‌هایش در مورد اهدای نخل طلا به فرهادی را حاصل یک فضای غیرجدی میان خبرنگاران و خودش دانسته و اعلام کرده است: «موضوع کاملا به‌شکل غیرجدی و با حالت شوخی پرسیده شد و من هم به‌شوخی پاسخ دادم. خبرنگاری با خنده پرسید که این‌بار لابی نمی‌کنید؟ من هم با خنده پاسخ دادم که اسپیلبرگ هست، خودش این کار را می‌کند.»ظاهرا خود او هم از یادآوری این سخنان خنده‌اش گرفته و گفته است: «آن خبرنگار سواش را با شوخی پرسید و با شوخی پاسخش را شنید. بحث اصلا جدی نبود و نباید رساله‌ای می‌شد، چون حالت گفت‌وگو نداشت.»

سر خط

ایسنا: آلبوم موسیقی «مسافر سهراب» با صدای بهمن سلحشور و دکلمه فاطمه معتمد آریا به بازار موسیقی رسید.
شرق: نقاشی‌های مشهور «میکل آنژ»، نقاش و مجسمه‌ساز مشهور ایتالیایی در نمایشگاه «سیمستین» واتیکان به دلیل تعداد زیاد بازدیدکنندگان در آستانه نابودی کامل قرار دارند.
مهر: تفاهنامه همکاری بین سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران و کتابخانه‌های امضا شد.
مهر: طرف‌داران ارزنت همینگوی یک‌بار دیگر در کوباگرد آمدند تا به یاد او در رقابت‌های ماهگیری شرکت کنند.